



پلیدیها، زشتیها، ناپاکیها و آلودگیها، پاک و مبرا است.»

امام هادی علیه السلام همچنین به شیفتگان اهل بیت علیهم السلام مژده داد که: «به زودی خداوند از دامن پاک سلیل [امام عسکری علیه السلام و توسط او] حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله را به جهانیان عطا خواهد کرد که زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ همچنان که قبل از آن با ظلم و جور پر شده است.»

۱. شعر از حسان.

۲. الکافی، کتاب الحجة، مولد ابی محمد حسن بن علی علیه السلام.

۳. ریاحین الشریعة، ج ۳، ص ۲۴.

خورشید سپهر رهبری پیدا شد
احیاگر فقه جعفری پیدا شد

تبریک به مهدی که به عالم امشب
رخسار امام عسکری پیدا شد
امام حسن عسکری علیه السلام در هشتم ربیع الثانی سال ۲۳۲ در شهر مدینه به دنیا آمد.^۲ پدر بزرگوارش حضرت امام هادی علیه السلام و مادرش از بانوان شایسته و پاکدامن عصر بود که به نامهای سوسن، حدیث، سلیل، و سمانه خوانده می‌شد. امام هادی علیه السلام در ستایش این مادر ستوده خصال فرمود:

«سَلِيلٌ مَسْلُوكٌ مِنَ الْآفَاتِ وَالْغَاهَاتِ وَ
الْأَرْجَاسِ وَالْأَذْنَانِ»^۳ سلیل، از آفتها،

ایمان را در اعتقاد به امامت قوی و استوار می‌گرداند، به همان میزان مخالفین و معاندین را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و آنان را در موضع‌گیری‌هایشان به انفعال و عقب نشینی می‌کشانند. به همین خاطر خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْتِنَا وَيَخِبَ مَنْ خَبَىٰ عَن بَيْتِنَا﴾^۱ [خداوند آیات و نشانه‌ها و معجزات خود را توسط ولی خود به مردم نشان می‌دهد] تا آنهایی که هلاک [و گمراه] می‌شوند، از روی حجت باشد و آنهایی که زنده می‌شوند [و هدایت می‌یابند]، از روی دلیل روشن باشد.»

حضرت عسکری علیه السلام نیز در این مورد فرمود: خداوند تبارک و تعالی با هر چیزی و دلیلی حجت خود را از سایر مردم ممتاز کرده است و از جمله، آگاهی به زبانهای مختلف، شناخت نسبها و مرگها و اطلاع از حوادث آینده

وقتی که امام عسکری علیه السلام متولد شد، حضرت سوسن به کنیه ام الحسن مفتخر گردید.^۱

مدت امامت حضرت عسکری علیه السلام در میان سایر امامان معصوم علیهم السلام کوتاه‌ترین زمان بوده است؛ زیرا آن حضرت فقط شش سال (۲۵۴ - ۲۶۰) عهده دار مسئولیت امامت گردید و در ۲۸ سالگی در شهر «سُرْمَن رَای (سامراء)» توسط احمد معتمد پانزدهمین خلیفه ستمگر عباسی به شهادت رسید.

کرامت و معجزه

کارهای خارق‌العاده‌ای که مقرون به دعوی نبوت باشد معجزه و بدون ادعای نبوت، گاه کرامت و گاه معجزه نامیده می‌شود.

از این رو امور خارق‌العاده‌ای که توسط ائمه علیهم السلام انجام می‌شود، گاهی به عنوان معجزه و گاهی به عنوان کرامت مطرح می‌شود.^۲

از واضح‌ترین دلایل امامت ائمه اطهار علیهم السلام ظهور معجزه و کرامات در زندگی آن بزرگواران می‌باشد. این امتیاز ویژه همان اندازه که دل‌های اهل

۱. اثبات الوصیه، ص ۲۳۶.

۲. ر.ک: مجله مبلغان، ش ۲۸، صص ۱۷ و ۱۸.

۳. انفال / ۴۲.

خود می دیدم! به محض آنکه این اندیشه در ذهنم خطور کرد، امام عسکری علیه السلام فرمود: ای علی! نزدیک بیا! جلو رفتم. امام دست مبارکش را به صورت من کشید و من بینایی ام را باز یافتم و در روی آن فرش جای قدمها و صورتهایی را مشاهده کردم. امام فرمود: اینجا جای قدم حضرت آدم و محل جلوس اوست. اینجا اثر هابیل، اینجا اثر شیث، و همچنین اینجا اثر پای جلوس قیدار و بعد یکایک جای گامها و محل جلوس سایر انبیاء و اولیاء را به ترتیب برایم توضیح داد. جای مهلائیل، یساره، خنوخ، ادریس، متوشلخ، سام، ارفخشذ، هود، صالح، لقمان، ابراهیم، لوط، اسماعیل، الیاس، اسحاق، یعقوب، یوسف، شعیب، موسی، یوشع بن نون، طالوت، داود، سلیمان، خضر، دانیال، الیسع، ذی القرنین، اسکندر، لوی، کلاب، قصى، عدنان، عبدالمناف، عبدالمطلب، عبدالله و بالاخره اثر آقا و مولایمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله را نیز برایم نشان

را به او عطا کرده است.^۱ اگر چنین نبود، بین حجت خدا و سایر مردم فرقی نبود.»

حال، به نمونه هایی از کرامات و معجزات حضرت امام حسن عسکری علیه السلام می پردازیم:

قالیجة ابرار

علی بن عاصم کوفی از بزرگان شیعه است که در شکنجه گاههای احمد معتضد، شانزدهمین خلیفه عباسی از دنیا رفت.^۲ این محدث حق باور که روشنایی چشمانش را از دست داده بود، روزی به محضر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام آمد. امام به او فرمود: ای علی! خوش آمدی، بنشین، این نشستن بر تو گوارا باد! به زیر پاهایت بنگر! تو در روی بساط و فرشی قرار داری که بسیاری از پیامبران، رسولان و امامان هدایتگر بر روی آن نشسته اند. وی می گوید که عرض کردم: ای آقای من! دلم می خواهد تا آخرین لحظه که در این دنیا هستم، از شما جدا نباشم و در آن لحظه آرزو کردم که ای کاش من این فرش آسمانی و با فضیلت را با چشم

۱. اعلام الوری، ص ۳۷۵.

۲. معجم رجال الحديث، ج ۱۳، ص ۷۱.

داد و سپس فرمود: اینجا اثر قدمهای امیر مؤمنان علیه السلام و اینها هم آثار جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از علی علیه السلام تا حضرت مهدی علیه السلام است؛ زیرا حضرت مهدی علیه السلام نیز در روی این فرش راه رفته و نشسته است. حال به این آثار و نشانه‌ها توجه کن و بدان اینها آثار دین خدا هستند و هر کسی که در آنها شک و تردید روا دارد، همانند آن است که در وجود خداوند تردید کرده است. هر کس این علامتها را انکار کند، خدا را منکر شده است.

من در آن حال چنان شگفت زده و مبهوت بودم که احساس کردم خواب می‌بینم. امام به من فرمود: ای علی! در اعتقادات ثابت قدم و استوار باش! تو در خواب و رؤیا نیستی، در عالم واقع این آثار انبیاء و اولیاء را مشاهده می‌کنی. من از شدت خوشحالی روی فرش افتادم و آثار قدمهای پیامبران و اولیاء را بوسیدم و دست امام را هم بوسه زدم.

در اینجا امام عسکری علیه السلام فرمود: چشمهایت را به هم بگذار! چشمهای من باز به حالت اول برگشت و دوباره

نابینا شدم.

به امام عرض کردم! مولای من! من از یاری کردن شما با دست ناتوانم و غیر از محبت شما و برائت از دشمنان شما و لعن آنها در خلوت سرمایه‌ای ندارم. حال من چگونه خواهد بود؟

امام فرمود: پدرم از جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که: هر کس از یاری کردن به ما اهل بیت علیهم السلام ناتوان باشد و در خلوت به دشمنان مال لعن کند، خداوند صدای او را به تمام فرشتگان می‌رساند و ملائکه برای او استغفار می‌کنند و درود می‌فرستند و دعایش می‌کنند. خداوند هم می‌فرماید: ای فرشتگان من! دعای شما را در مورد این بنده‌ام دوست دارم و من هم به همراه ارواح ابرار به او درود می‌فرستم و وی را از برگزیدگان نیکوکار قرار دادم.^۱

۱. اثبابة الهداة، ج ۳، ص ۴۳۱؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۳ و ج ۵۰، ص ۳۱۶؛ قصص الانبیاء، جزائری، ص ۶. در برخی روایات، اسامی اشخاصی غیر از پیامبران و اولیاء نیز دیده می‌شود.

امام فرمود: از امروز تا صد و هفتاد روز دیگر و در روز جمعه، سوم ماه ربیع الآخر و در ساعاتی اول روز به شهر خود باز خواهی گشت. من نیز در آخرین ساعات آن روز برای دیدار با دوستان و شیعیانمان به گرگان خواهم آمد. به آنان این خبر را برسان! در غیاب تو، نوه ات متولد می شود. او را صلت بن شریف بن جعفر بن شریف نام گذار! به زودی، خداوند او را به حد کمال می رساند و او از دوستان ما می باشد. برو به سلامت! خداوند تو را سالم به خانواده ات باز خواهد گرداند.

جعفر بن شریف از محضر امام مرخص شد و بعد از انجام مراسم حج، در همان روز جمعه که امام وعده داده بود، به وطنش رسید. یاران و دوستان به استقبال و تهنیت آمدند. او نیز به همه آنان سلام امام را رساند و وعده دیدار حضرتش را هم اعلام کرد. که: امام عسکری علیه السلام در ساعات آخر امروز به شهر گرگان خواهد آمد و ضمن دیدار از شیعیان به سؤالات و حاجات آنان نیز پاسخ خواهد گفت. هر چه سؤال و حاجت دارید،

هر کس از یاری کردن به ما
 اهل بیت علیهم السلام ناتوان باشد و
 در خلوت به دشمنان ما لعن
 کند، خداوند صدای او را به
 تمام فرشتگان می رساند و
 ملائکه برای او استغفار
 می کنند و درود می فرستند و
 دعایش می کنند

طی الارض و شفای بیمار

جعفر بن شریف جرجانی می گوید: در یکی از سالها که به حج می رفتم، در سامراء به زیارت اما حسن عسکری علیه السلام نائل شدم. در آن سفر، شیعیان گرگان اموال زیادی را در اختیار من گذاشته بودند تا به امام علیه السلام برسانم. بعد از تحویل دادن اموال، عرض کردم! شیعیان شما در گرگان به محضرتان سلام رساندند. امام بعد از پاسخ سلام فرمود: آیا بعد از انجام حج به گرگان باز خواهی گشت؟ گفتم: بله.

خود را از امام خواستند و همگی حاجت روا شدند. امام عسکری علیه السلام نیز در همان روز به سامراء بازگشت.^۱ در این روایت جذاب و شنیدنی، امام عسکری علیه السلام از چند نوع اعجاز خداوندی بهره گرفته است که مهم‌ترین آنها، آگاهیهای غیبی، طی الارض و شفای بیماریهای لاعلاج می‌باشد.

پناه بی پناهان

یوسف بن زیاد و علی بن سیار از شیعیان مخلص در عصر امام عسکری علیه السلام بودند. آنان که در استر آباد (گرگان) زندگی می‌کردند، به علت شیعه‌امامی بودن، مورد تعرض گروه زیدیه به رهبری حسن بن زید علوی، معروف به «داعی الحق» قرار گرفتند؛ چرا که آنان در منطقه گرگان حکومت می‌کردند و افراد را به بهانه شیعه‌امامی بودن به قتل می‌رساندند. یوسف و علی که تازه به دوران جوانی رسیده بودند، به همراه پدر و خانواده خود برای مصون ماندن از آزار و تعقیب

می‌توانید امروز بعد از ظهر از محضرش استدعا کنید.

شیعیان گرگان بعد از اقامه نماز ظهر و عصر در منزل جعفر بن شریف جرجانی با شوق و ذوق وصف ناپذیری اجتماع کرده، برای ورود امام لحظه شماری می‌کردند. در همان لحظات، بدون اینکه آنان متوجه ورود امام باشند، حضرت عسکری علیه السلام را در میان خود یافتند. حضرت به آنان فرمود: من به جعفر بن شریف (صد و هفتاد روز پیش) وعده داده بودم که در این ساعت نزد شما خواهم آمد. نماز ظهر و عصر را در سامراء خوانده‌ام و به میان شما آمده‌ام تا با شما تجدید عهد کرده، مشکلاتتان را (به حول و قوه الهی) رفع کنم. اکنون هر نوع حاجت و سؤال دارید، بگویید.

نضر بن جابر اولین کسی بود که گفت: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله! پسر نایبناست، شفای او را می‌خواهم. امام فرمود: او را بیاور! حضرت با دست مبارکش چشمان پسر را مسح کرد و او در همان لحظه شفا یافت. آن‌گاه شیعیان گرگان یک‌یک آمدند و حاجات

۱. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۶۲، الخرائج، ج ۱، ص ۴۲۴؛ کشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۲۷.

زیدیه به شهر سامراء و جوار امام
عسکری علیه السلام مهاجرت کرده، در آنجا
اقامتگاه موقتی برای خود تهیه کردند.
سپس اجازه گرفتند و به حضور امام
عسکری علیه السلام مشرف شدند.

امام با دیدن آنان و مشاهده احوال
پریشان و آوارگی و فرار از شهرشان به
آنان دلداری داد و به پدران آن دو
فرمود: «مَرْحَبًا بِالْأَوْيَةِ إِلَيْنَا الْمُلْتَجِينَ إِلَيْ
كُنْفِنَا قَدْ تَقَبَّلَ اللَّهُ سَعْيَكُمْ وَأَمَّنَ رُؤْعَكُمْ وَكَفَا
كُمَا أَعْدَائِكُمَا فَأَنْصِرِفَا آمِينَ عَلَى أَنْفُسِكُمَا وَ
أَمْوَالِكُمَا؛ خوش آمدید ای مأوی
کنندگان به سوی ما و پناهندگان به ما!
خداوند سعی شما را پذیرفت و
ناراحتی و اضطرابتان را بر طرف کرد
[و به شما امنیت بخشید] و شر
دشمنانتان را برگرداند. شما با امنیت
خاطر و خیال راحت نسبت به جان و
مالتان [به و طنتان] برگردید!»

آنان با اینکه در صدق و راستی
گفتار امام هرگز تردید نداشتند، اما از
این سخن آرام بخش حضرت
عسکری علیه السلام شگفت زده و متعجب
شدند. برای اطمینان خاطر به امام
عرضه داشتند! ای امام بزرگوار! به ما

چه دستوری می دهید؟ ما چگونه به
شهری که در آن امنیت جانی و مالی
نداریم و از آنجا فرار کرده ایم، دوباره
برگردیم؟ حاکم شهرمان سخت ترین
مجازاتها را برایمان تعیین کرده است.

امام فرمود: شما این دو پسر
جوانتان را اینجا بگذارید تا من آنان را
دانشی بیاموزم که در اثر آن خداوند
متعالم به آنان شرافت و بزرگواری عطا
کند. شما هم هرگز از دشمنان رنج و
آزاری نخواهید دید و آنان نمی توانند
وعده هایشان را در مورد شما عملی
سازند. جاسوسان و عوامل حکومتی
نه تنها به شما متعرض نخواهند شد،
بلکه خداوند آنان را ملزم به حمایت و
شفاعت از شما خواهد کرد.

یوسف و علی طبق دستور امام از
خانواده هایشان جدا شدند و در نزد
امام ماندند. خانواده هایشان به گریان
بازگشتند و با کمال امنیت و آسایش به
زندگی خود ادامه دادند. روزی
حضرت به این دو جوان مخلص که به
حضور امام مشرف شده بودند، فرمود:
به شکرانه خبر سلامتی پدران و
خانواده هایتان و خواری و ذلت

بیان کرد و او را از عواقب عمل شوم و ستمگرانه خود نسبت به حجت الهی بیم داد. اما از آنجایی که هرکس بر اساس افکار خود تصمیم می‌گیرد و طبق خُلقِ خویش عمل می‌کند و همچنان که خداوند می‌فرماید: «كُلُّ يَعْْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ فَرُبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا»^۱ «هرکس بر اساس روش [و] خلق و خوی [خود] عمل می‌کند و پروردگارتان به راه یافتگان داناتر است.» وی سخن همسرش را نپذیرفت.

آری، اگر چه برخی به علت پرورش ناصحیح و سرشت ناپاک خود به اعمال غیر انسانی اقدام می‌کنند، ولی انسانهای پاک و اولیاء شایسته خداوند همچون آب زلال ناپاکیها را می‌شویند و در اصلاح افراد جامعه و نورافشانی در تاریکیهای جهل و ظلم و فساد هرگز کوتاهی نمی‌کنند.

همسر آن مرد بد سرشت هر چقدر از فضائل امام عسکری علیه السلام

دشمنانتان و راستی گفته‌هایم، می‌خواهم به شما علم تفسیر قرآن بیاموزم که بخشی از معارف آل محمد علیهم السلام شمرده می‌شود. آن دو جوان با شنیدن این سخن مسرت بخش خوشحال شدند و با کمال اشتیاق به فراگیری درس تفسیر امام عسکری علیه السلام همت گماشتند. قسمتهایی از دستاوردهای آن جلسات علمی، امروزه در قالب تفسیر امام عسکری علیه السلام در اختیار دانشمندان علوم قرآن قرار دارد. شیخ صدوق این تفسیر را با دو طریق نقل کرده است.^۱

تواضع حیوانات درنده

نحریر، زندانبان قسی القلب و ستمگری بود که مدتی مأمور نگه‌داری از امام یازدهم گردید.

او زنی مؤمنه و حق‌باور داشت که نحریر را از آزار و اذیت حضرت عسکری علیه السلام بر حذر می‌داشت. آن بانوی باایمان به او گفت: از خدا بترس! آیا می‌دانی چه شخصیت ارزشمندی را به تو سپرده‌اند؟ و آن گاه شمه‌ای از مقامات معنوی و عبادت و شایستگی و مناقب حضرت را برای شوهرش

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام، ص ۱۰؛ اثبات الهداة،

ج ۳، ص ۴۲۹.

۲. اسراء / ۸۴.

گفت، او نه تنها نپذیرفت، بلکه در دشمنی و عناد خود اصرار ورزید و حتی تصمیم گرفت امام را در میان حیوانات درنده باغ وحش اندازد و جنایت خود را کامل کند.

وقتی از مقامات بالا اجازه این عمل شوم را دریافت کرد، حضرت را به میان حیوانات وحشی انداخت و تردید نداشت که وجود مقدس امام طعمه درندگان خواهد شد. وقتی امام را مجبور کرد به داخل آن منطقه خطرناک برود، در مقابل چشمان حیرت زده همه حاضرین مشاهده کرد که حضرت به نماز ایستاده است و حیوانات وحشی با تواضع و فروتنی در اطراف آن بزرگوار حلقه زده‌اند. از این رو، برای جلوگیری از رسوایی بیشتر دستور داد سریعاً امام را بیرون آوردند.^۱

تاوان گستاخی

حسن بن رزین می‌گوید: پدرم در شهر سامراء بسیار به محضر امام عسکری علیه السلام می‌رفت. (پدرم می‌گفت: در یکی از روزها که به زیارت امام رفته بودم، مشاهده کردم که مرکب امام را

آماده کرده‌اند و حضرت می‌خواهد سوار شود و به دربار خلیفه برود؛ اما چهره‌اش متغیر و خیلی خشم آلود است. در کنار حضرت مردی غیر شیعه ایستاده بود و به حضرت جسارت می‌کرد و سخنان زشت و ناروایی را نسبت می‌داد. این حرکت غیر اخلاقی و دور از انسانیت و مسروبت وی، پیشوای یازدهم را ناراحت کرده بود. او هر چه می‌توانست به امام نفرین و اهانت کرده، فحش و ناسزا گفت. وقتی که پاوه‌گویبهایش تمام شد، راه خود را گرفت و رفت. امام به غلامش فرمود: برو و این مرد را کفن کن! خادم به دنبال او رفت. وقتی امام به آخر گذرگاه بازار رسید، او متوجه امام گردید و خواست باز اهانت و جسارت کند که در همان لحظه، استری که آنجا ایستاده بود، لگدی بر او زد و مرد کینه جو نقش زمین شد و دیگر برنخواست و بلافاصله مرد. خادم طبق دستور امام عسکری علیه السلام او را کفن کرد و به پیش ما بازگشت. امام به راه خود ادامه داد و ما

۱. الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۴۳۵.

کنند، آزادت می‌کنم و گرنه به سخت‌ترین وجه تو را مجازات خواهم کرد. آیا او از شیعیان علی علیه السلام است، همان طوری که ادعا می‌کند؟ امام حسن علیه السلام فرمود: پناه بر خدا! او شیعه علی علیه السلام نیست. خداوند او را توسط تو گرفتار کرده؛ چون که به گمانش از شیعیان علی علیه السلام است. والی شهر بعد از این گفتگو به مأمورانش دستور داد: او را بخوابانید و پانصد تازیانه به او بزنید! مأموران از راست و چپ بر او تازیانه می‌نواختند، اما هرگز به بدن فرد متهم اصابت نمی‌کرد و بر عکس تازیانه‌های آنان به بدن همدیگر نواخته می‌شد. والی گفت: مگر شما دیوانه‌اید! چرا عوض متهم همدیگر را می‌زنید؟ آنان گفتند: ما تازیانه را فقط بر بدن او فرود می‌آوریم، اما بدون اختیار به خود ما برمی‌گردد. والی تعداد مأموران را به شش نفر رسانید، اما تازیانه‌ها در دستهای آنان بی اختیار جابه جا می‌شد و به بدن والی فرود می‌آمد. در اثر این ضربات، والی از

نیز در کنار آن حضرت رهسپار مقصد گشتیم.^۱

فرق شیعه و دوستان اهل بیت علیهم السلام

یوسف بن زیاد و علی بن زیاد از شاگردان امام عسکری علیه السلام که قبلاً نامی از آنان برده شد، نقل کرده‌اند که: شبی در محضر امام یازدهم بودیم که والی شهر جسسین^۲ از مقابل منزل امام می‌گذشت. والی که از علاقمندان امام بود، وقتی از دریچه اتاق امام را دید، به احترام حضرتش از اسب پایین آمد و با اشاره به مردی کتف بسته که او را دستگیر کرده بود، به امام گفت: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله! این مرد را امشب در کنار یک مغازه صرافی به خاطر سرقت دستگیر کرده‌ام و هنگامی که او را طبق شیوه خودم - برای اعتراف کردن به دزدی می‌خواستم شلاق بزنم، به من گفت: ای مرد! از خدا بترس! من از شیعیان امیرالمومنین علیه السلام و شیعه این امام (پدر بزرگوار حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله) هستم.

من گفتم: اگر حضرت عسکری علیه السلام شیعه بودن تو را تأیید

۱. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۰۶.

۲. یکی از نواحی اطراف دمشق.

از دوستان و شیفتگان ماست، ولی از شیعیان ما نیست. والی گفت: مگر میان شیعه شما با دوستدار شما فرق است؟ ما که هر دو را یکی می‌دانیم. امام فرمود: شیعیان ما کسانی هستند که از گفتار و رفتار ما پیروی کرده، در تمام اوامر و نواهی از ما اطاعت می‌کنند؛ اما کسانی که در بسیاری از واجبات الهی با ما مخالفت می‌کنند، از شیعیان ما نیستند.

سپس امام فرمود: ای والی! تو نیز دروغ گفتی که اگر آن را عمداً و آگاهانه گفته بودی، خداوند تو را به مجازات سنگینی گرفتار می‌کرد. والی با تعجب پرسید: یابن رسول الله! مگر من چه گفتم؟ امام فرمود: تو به خیال خود از این مرد معجزاتی را دیدی، در حالی که این معجزات از او نبود، بلکه از ما بود. خداوند به این وسیله مقام و عظمت و شرافت ما را به عنوان حجت الهی آشکار ساخت و اگر می‌گفتی: من در او معجزاتی دیدم، ایرادی نداشت. مگر عیسی علیه السلام مرده را زنده نمی‌کرد؟ آیا معجزه از میت بود یا از عیسی علیه السلام؟ والی استغفار کرد. امام سپس روبه

مرکب خود به زمین افتاد و فریاد زد: شما که مرا کشتید، خدا شما را بکشد! آنان گفتند: ما فقط او را می‌زنیم، اما نمی‌دانیم چرا شلاقها بدون اختیار به بدن تو فرود می‌آید. در این حال مرد متهم گفت: ای والی! ای بنده خدا! آیا از این همه لطف و عنایت که به من می‌شود، عبرت نمی‌گیری؟ مرا نزد امام ببر و هر چه فرماید، به آن عمل کن!

والی او را به نزد پیشوای یازدهم آورد و گفت: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله! خیلی عجیب است، شما شیعه بودن او را منکر شدید و کسی که از شیعیان شما نباشد، بدون تردید از پیروان شیطان و اهل آتش است؛ اما من از او معجزاتی دیدم که به غیر از انبیاء برای دیگران اتفاق نمی‌افتد.

امام فرمود: ای والی! او در اینکه ادعای شیعه بودن کرد، دروغی را ناآگاهانه مرتکب شد که اگر آگاهانه بود، به تمامی آزارها و شکنجه‌های تو گرفتار می‌شد و سی سال در زندان باقی می‌ماند؛ اما چون در عنوان اشتباه کرده بود، خداوند بر او رحم کرد و از آزارهای تو مصونیت بخشید؛ زیرا او

اگر چه برخی به علت پرورش ناصحیح و سرشت ناپاک خود به اعمال غیر انسانی اقدام می‌کنند، ولی انسانهای پاک و اولیاء شایسته‌ی خداوند همچون آب زلال ناپاکیها را می‌شویند و در اصلاح افراد جامعه و نورافشانی در تاریکیهای جهل و ظلم و فساد هرگز کوتاهی نمی‌کنند

برابر دشمنان را در سرلوحه برنامه‌هایشان قرار داده‌اند.^۲

۱. بقره / ۸۲ «و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، آنان بهشتی خواهند بود و در آن جاودانه خواهند ماند.»

۲. تفسیر امام عسکری، ص ۳۱۶؛ الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۶۸۲؛ بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۱۶۰، با تلخیص.

آن مرد متهم کرد و فرمود: ای بنده خدا! تو از شیعیان علی علیه السلام نیستی، بلکه از دوستان آنان و علاقه‌مندان او هستی. شیعیان علی علیه السلام آنانی هستند که خداوند در موردشان فرمود: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»^۱ و کسانی هستند که به خدا ایمان آورده‌اند و با صفات شایسته‌اش او را می‌ستایند و از اوصافی که برآورده خداوند نیست، او را تنزیه می‌کنند و گفته‌های محمد صلی الله علیه و آله را تصدیق کرده، رفتارش را کاملاً درست می‌دانند. آنان علی علیه السلام را بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله، پیشوای امت، شخصیتی برجسته و وارسته می‌دانند که در میان امت محمد صلی الله علیه و آله نظیر ندارد؛ آن چنان که اگر در میزانی تمام امت پیامبر صلی الله علیه و آله با مقام علی علیه السلام سنجیده شوند، عظمت علی علیه السلام بر همه آنان برتری دارد؛ همان گونه که آسمان بر زمین و زمین بر ذرات عالم برتری دارد. شیعه علی علیه السلام در یک کلام آنانی هستند که در تکریم برادران مؤمن به علی علیه السلام اقتدا می‌کنند، عمل صالح انجام می‌دهند و بعد از اعتقاد به توحید و نبوت و امامت، همه واجبات الهی به ویژه دو اصل برتر، اداء حقوق مؤمنین و تقیه در